

بررسی اندیشه‌های عبدالجلیل قزوینی در تبیین مفهوم وحدت و همگرایی عصر سلجوقی

طلعت ده پهلوان، دانشجوی دکترای تاریخ دانشگاه اصفهان*
اصغر منتظرالقائم، استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان
مصطفی پیرمردیان، استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین مفهوم وحدت و همگرایی به جمع بندی و ارزیابی آراء و اندیشه‌های تفسیری علمای مسلمان بویژه شیخ عبدالجلیل قزوینی در قرن پنجم هجری می‌پردازد. طرح این موضوع در عصری است که اختلافات و منازعات مذهبی فراوانی میان شیعیان و اهل سنت در اقصی نقاط مختلف سرزمین‌های اسلامی مطرح بوده و متفکران مسلمان را بدین اندیشه وا داشت که بسیاری از مسائل و نظریات تفرقه افکنانه و اختلاف برانگیز مذهبی را از میان بردارند و اندیشه‌های همگرایانه و تلاش‌های مصلحانه در راه نزدیک کردن فرق و مذاهب اسلامی را جایگزین نمایند. شیخ عبدالجلیل قزوینی یکی از نخستین متفکران شیعی بود که به شکل جدی و تئوریک به بحث همگرایی و تقریب مذاهب پرداخت. تلاش‌های عقل‌گرایانه وی این تسامح و تساهل و همگرایی را رونق بخشید، ایشان با توجه مسائل سیاسی و درک شرایط حکومتی در عصر غیبت، همکاری مشروط با حکومت و حل منازعات اعتقادی در راستای مفهوم امت واحده روابط حسنه‌ای برقرار کردند، که تعالی علمی مسلمانان در این دوره از نتایج تلاش‌های آنان بوده است. طرح اینگونه دیدگاه بعدها به جهت حفظ مکتب تشیع مبنای تلاش‌ها و عملکرد بسیاری از علما و متفکران مسلمان در ادوار دیگر قرار گرفت. پژوهش حاضر درصدد است با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای، دیدگاه‌های ایشان را به جهت همگرایی و تقریب، از طریق طرح مسائل و مشترکات اعتقادی، نقد عقاید افراطی فرق اسلامی، برگزاری مناظرات، پاسخگویی به شبهات حدیثی- فقهی و اتهامات علیه شیعه و.. تبیین نماید. فرضیه تحقیق آن است که شیخ عبدالجلیل قزوینی با درک شرایط سیاسی- اجتماعی، نظریه احیاء همگرایی و تقریب مذاهب اسلامی را کاربردی برای حل بحران تبیین کردند.

کلمات کلیدی: عبدالجلیل قزوینی، وحدت، تشیع، سلجوقیان، فرق و مذاهب.

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۴/۰۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۱۸

*E-mail: pahlavant65@gmail.com

مقدمه

تبیین موضوع همگرایی و وحدت اسلامی از موضوعاتی است که تأثیر زیادی بر اعتلای فرهنگ و تمدن جوامع اسلامی داشته است، شاید بتوان با جرائت ریشه‌های پیشرفت تمدنی سرزمین‌های اسلامی را محصول اینگونه تلاش‌ها و اندیشه‌ها دانست؛ چرا که مسلمانان در بسیاری از حوزه‌های دینی- اعتقادی، دارای اشتراکات فراوانی هستند که توجه و تأکید بر آن‌ها اختلاف و تعصب را از بین می‌برد و زمینه وحدت و تقرب میان پیروان مذاهب را فراهم می‌سازد. توجه بر تعصبات مذهبی و به انزوا راندن دیگر مذاهب از ویژگی‌های عصر سلجوقی بود که زمینه‌های درگیری میان پیروان مذاهب حتی فرق اهل سنت را به وجود آورد. تنازعات مذهبی در این دوره به حدی شدت یافت که برخی از پژوهشگران از آن دوره تحت عنوان «عصر جدلی» یاد کرده‌اند (همایی، ۱۳۱۸، ۲۰)

در سده‌های متأخر، موضوع همگرایی و تقرب مذاهب به یکی از محورهای گفتگو بین مصلحان، متفکران و نیز متعصبان مذاهب اسلامی تبدیل شده است این واژه از ریشه «قَرَبَ» از نظر لغوی به معنای نزدیک کردن است (ابن‌منظور، بی‌تا، باب القاف) و در اصطلاح به معنای زدودن و رفع اختلافات دینی و ایجاد همکاری بین رهبران و پیروان مذاهب براساس اصل مسلمانی و پیروی از قرآن و سنت است. این اصطلاح در پژوهش‌های تاریخی اخیر به‌عنوان مفهومی نوین برای بررسی تعاملات تاریخی میان مسلمانان استفاده می‌شود (شفایی، ۱۳۹۰، ش ۲۹: ۹۰). عصر سلجوقی با حاکمیت دو مذهب شافعی و حنفی و نزاع با حنبله (پیروان احمد بن حنبل ۲۲۹ ق) موجب گسترش تفکر سلفی گری و عدم مدارا مذهبی همراه بود؛ در نتیجه درگیری و تنازعات مذهبی گسترده‌ای میان فرق و مذاهب آغاز گردید. شیخ عبدالجلیل قزوینی رازی، یکی از عالمان عقل‌گرای شیعی فردی که آگاهی کاملی نسبت به آراء و دیدگاه علمای شیعه و اهل سنت و دیگر فرق مختلف و باورهای موجود در بین توده‌های مردم برخوردار بود. وی به لحاظ فکری و اندیشه‌ای یکی از تئورسین‌های شیعه در قرون میانه تاریخ اسلامی است که تلاش‌های عالمانه‌ای در راستای اهتمام به این مسئله و تحقق آن داشته است (۱). این پژوهش با نگاهی متفاوت از تحقیقات قبل و مقالات مرتبط، اهمیت موضوع وحدت و همگرایی را به صورت منسجم و روشی از دیدگاه قزوینی بررسی می‌نماید.

۱- پیشینه تحقیق

مفهوم همگرایی و تقرب در اندیشه‌های سیاسی علمای مسلمان عصر سلجوقی همواره با تحولات و رویدادهای سیاسی و اجتماعی این دوره مورد عنایت محققان و پژوهشگران بوده است و کتابهای

متعددی در ارتباط با اندیشه‌های سیاسی و اوضاع فکری و فرهنگی این دوره تدوین شده است. در دوران غیبت نیز متفکران مسلمان اعم از شیعه و سنی برای ممانعت از اختلافات و آشوب‌های سیاسی نظریه وحدت و همگرایی در مسائل مذهبی که از دغدغه‌های همیشگی عالمان اسلامی بود را در آثار خود مطرح می‌کردند؛ از جمله آثار شیخ طوسی، شیخ مفید، شیخ السلام طبرسی... در این راستای پیشنهاد این تحقیق مقالات و کتب متعددی نگاشته شده که مقاله «پیشگامان تقریب ابن شهرآشوب؛ عالم تقریبی قرن ششم هجری» نوشته امان‌الله شفایی، وی در این مقاله به رویکرد همگرایانه ابن شهرآشوب به عنوان شخصیت بزرگ تشیع در قرن ششم هجری در رویارویی با اهل سنت و تعاملات علمی- فرهنگی پرداخته است، ابن شهرآشوب در پی تعاملات وسیع علمی و فکری که با اندیشمندان و علمای رشته‌های مختلف دینی اهل سنت داشته است، در منظر علمای اهل سنت وی چنان جایگاه والایی برخوردار بوده است که بزرگانی همانند ابن حجر عسقلانی و دیگران وی را مورد تکریم فراوان قرار داده‌اند (عسقلانی، ۱۹۹۵، ۵:۳۱۰) انگیزه وی از این تعاملات و همگرایی با آنان بیان فضایل ائمه (ع) از زبان علما و متفکران اهل سنت است؛ یعنی آنچه که از مناقب ایشان در کتابها و اخبار آنها آمده است. البته وی به کتابهای شیعه هم مراجعه نموده و از آنها روایت نقل می‌کند. شفایی در این مقاله بر اساس نظریه میانرویی ابن شهرآشوب با اهل سنت را مطرح می‌کند که با بسیاری از بزرگان و اندیشمندان اهل سنت رابطه دوستی نزدیکی داشته است اما دیدگاهها و اندیشه‌های سیاسی ابن شهرآشوب را مطرح نمی‌کند (شفایی، ۱۳۹۰، ۸۷-۷۹). در این آثار شرایط اختلافات مذهبی میان مسلمین با پیدایش گرایش‌های کلامی مسبوق به اختلافات مذهبی با رعایت اعتدال و تلاش برای برقراری همگرایی و اثبات عقاید امامیه است (۲). مقاله «گذری بر زمینه‌های تقریب در اندیشه شیخ طوسی» نوشته علی اصغر احمدی، رویکرد تقریبی متفکران شیعی به صورت موردی بررسی شده است. که به طرح‌های متفکران شیعه در حل اختلافات موجود در بستر شرایط سیاسی، فرهنگی - مذهبی جامعه عصر سلجوقی پرداخته نشده است که به سهم خود به مسأله‌ای همگرایی امت واحده از منظر علما و دانشمندان قرون چهارم و پنجم هجری پرداخته‌اند.

۲- وضعیت جامعه عصر سلجوقی همزمان با حیات عبدالجلیل قزوینی

۲-۱- اوضاع فکری - فرهنگی عصر وی

در اواخر قرن چهارم هجری، بر اثر ضعف دستگاه خلافت و جنگ داخلی و قدرت گرفتن رهبران فرقه‌های مذهبی، تعدد و تکثر فرقه‌ای و مذهبی، نوعی فضای باز سیاسی به وجود آمده بود، که با

حضور شیعیان در صحنه‌ی سیاسی، جلوه‌ی فرهنگی تازه‌ای به اوضاع بخشیده بود. دوری می‌نویسد: «در دوران امیرالامرای ناصر الدوله‌ی حمدانی، حضور رافضیه (امامیه) در بغداد علنی شد و دلیل تشجیح شیعیان به علنی کردن مسائل و مشکلات، تسامح امیر الامرا ناصر الدوله که خود شیعه‌ی دوازده امامی بود، اما طولی نکشید که بر اثر تعصبات مذهبی ورود عوام الناس به صحنه‌ی منازعات، این آزادی به انحراف کشیده شد» (الدوری، ۱۹۷۵، ۱۰۷). عبدالجلیل قزوینی، از علمای شهیر و بانفوذ ری بود که در پای سخنانش افراد زیادی از فرق مختلف حضور می‌یافتند. (الأمین، ۱۰، ۱۹۸۳، ۱۶) حضور مردم از ادیان مختلف در پای سخنرانی عبدالجلیل در دورانی که اختلافات و تشتت و تبلیغات گسترده مذهبی در ری و نیشابور و اصفهان و بغداد بیداد می‌کرد وجود دارد؛ گویای قدرت سخنوری و نفوذ کلام و بیانگر جایگاه علمی وی در جامعه است. وی در شهر ری، که یکی از کهن‌ترین مراکز تمدنی با قدمت چندین هزارساله متولد شد. این شهر در سال ۲۲ هجری به دست مسلمانان افتاد (حموی، بی تا، ۳، ۱۱۷). توسعه‌اش تا بدانجا گسترش یافت که پیش از حمله مغول (سال ۶۱۶ ق)، آن را یکی از بزرگ‌ترین و آبادترین بلاد اسلامی توصیف کرده‌اند (ابن طباطبا، ۱۳۷۲، ۲۳۱، حسینیان مقدم، ۱۳۸۴، ۲: ۳۲۶) ری از سده پنجم و ششم هجری دارای یک حوزه نسبتاً توانمند علمی شیعی و شخصیت‌های بزرگی، از شیعه و سنی را در خود پروراند. (مستوفی، ۱۳۶۲، ۴۵) دوران بالندگی علمی ری دست‌کم هشتاد و هشت تن از محدثان و علمای امامی با نام «رازی» شناخته شده‌اند که در ری زیسته‌اند و بدین سبب، «رازی» نامیده شده‌اند. (عطاردی قوجانی، ۱۴۰۹، ۳: ۴۸۳، ۴۷۰ و ۳۶۶، ۲: ۵۱۵، ۵۲۵ و ۵۷۳ و ابن اثیر، ۱۳۸۵، ۱، ۵۸؛ کریمان، ۱۳۵۴، ۳۳) عالمانی چون؛ ابوالفتوح رازی (ق ۶)، صفی‌الدین رازی (ق ۶) نویسنده تبصره العوام، سدید‌الدین حمصی رازی (ق ۶) نویسنده المنقذ من التقليد، شیخ منتجب‌الدین رازی (۵۰۴ - ۵۸۵ ق) نویسنده الفهرست و قطب‌الدین رازی (م ۶۹۶ - ۷۶۶ ق) و ... تأثیرگذار بوده‌اند (۳). از عالمان شهیر این خاندان اوحد‌الدین، قطب‌الدین محمد، جلال‌الدین محمود و جمال‌الدین مسعود... از دانشمندان و «همه آنان از فقیهان و صالحان هستند». (رازی، ۱۳۶۶، ۲۶۴) از وی آثاری چون: بعض المثالب النواصب فی النقص بعض فضائح الروافض، البراهین فی إمامه أمير المؤمنين (ع)، السؤالات و الجوابات در هفت جلد، مفتاح التذکیر و تنزیه عایشه و.. باقی مانده است. اکنون تنها کتابی در دسترس همین النقص است (مجلسی، ۱۳۷۳، ۱۰۲: ۲۵۱-۲۸۱ و المرتضی، ۱۴۰۵، ۱۸۰) در دوران عبدالجلیل، مجالس دینی- کلامی بسیار رونق داشت و جان مایه این مجالس را مباحث کلامی تشکیل می‌داد. این امر را هم می‌توان در گزارش‌هایی که عبد الجلیل در دوران خود و در شرح حال دیگر اندیشوران آن روزگار آورده است، مشاهده کرد. (مجلسی، ۱۳۷۳، ۱۰۲: ۲۸۹) نمونه، در زندگی فخر‌الدین رازی (۵۴۴

– ۶۰۶ ق) که در این دوران زندگی می‌کرد، می‌خوانیم: ... در بخارا مجالسی برای مناظره تشکیل می‌شود و فخر الدین با علمای بخارا به بحث نشست (۴). عبدالجلیل قزوینی در مبحثی که برای گزارش رونق مدارس شیعه در ری و دیگر شهرهای شیعه نشین می‌دهد، یکی از دلایل رونق این مدارس را وجود کرسی‌های مناظره در این مدارس می‌داند. (قزوینی، ۱۳۵۸: ۳۴) مطالعه شرح حال علمای ری در کتاب الفهرست منتجب الدین رازی، نشان می‌دهد که میزان حضور علمای بغداد در میان اساتید، به حدی بوده که می‌توان مدرسه ری را در دوره مذکور، استمرار مدارس بغداد دانست (رازی، ۱۳۶۶، ۲۶۴، صدوق، ۱۳۷۹، ۱: ۲۵۹–۳۶۰) عمده مباحث مطرح در این مناظره‌ها بر محور عقل و نقل در معرفت دینی بود و به طور دقیقتر، دیدگاه اشعریان در مقابل معتزلیان بود که بنیان مباحث را تشکیل می‌داد. در دو حوزه گرایش‌های کلامی، با دو شاخه اصلی اشعری و معتزلی و حوزه فقهی با پنج گرایش شیعی، حنبلی، حنفی، مالکی و شافعی و زیر مجموعه هر کدام از اینها بود، (روحی، ۱۳۹۳: ۵۱) این امر به قدرت طلبان و زورگویان، این فرصت را داد تا از اختلافات مذهبی به سود خود بهره بگیرند و در سایه چنین اختلاف‌هایی، بقای خود را تضمین کنند. این امر، موجب می‌شد که عالمی سنی از حاکمی جائز، تنها به این خاطر دفاع کند که وی ادعای تسنن می‌کرد و عالمی شیعی، تنها به این جهت که فلان پادشاه، خود را شیعه می‌داند، بر ستمگری‌های وی اغماض و از وی دفاع کند. (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ۱۲: ۱۵۲) نتیجه طبیعی این پدیده، مساوی شدن مفهوم حاکم عادل با مفهوم گرایش مذهبی شد و عالمان مذاهب و گرایش‌های کلامی و یا فقهی در پناه قدرت‌های یاد شده، به تدوین آثاری علیه جریان‌های دیگر می‌پرداختند. در پاره‌ای از شهرها از جمله ری این پدیده رونق بیشتری داشت (۵) که از قرن چهارم تا ششم هجری همواره محل درگیری فکری و قلمی و حتی عملی بین گرایش‌های گوناگون بود، و از درگیری با اهل سنت، که در اکثریت بودند، اجتناب نموده آنان را به سمت مشترکات مذهبی سوق دهند تا اهرمی برای تقریب و کاهش خشونت شود (Kafesoglu ۱۹۸۸: ۹۴–۹۲, Kolberg, ۱۹۹۱: ۱۸–۲۱)

۲-۲-۲- اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر وی

قرن پنجم و ششم هجری تزلزل تا یورش مغولان، دوران آشفتگی سیاسی جهان اسلام بود. خلافت عباسیان، قدرت خود را از دست داده بود و خلفا به ابزاری در دست امرا و پادشاهان و وزیران تبدیل شده بودند. شناخت دوران عبدالجلیل قزوینی، در واقع شناخت بخشی از علل و عوامل سقوط ایران به دست

مغولان بود. وی در نیمه دوم قرن پنجم و نیمه اول قرن ششم هجری، پنجاه سال پیش از یورش وحشیانه مغولان به ایران و نابودی تمدن و آبادانی این مرز و بوم می‌زیسته است. گرچه برای شناخت آن روزگار، منابع قابل توجهی وجود دارد، قرائن عبدالجلیل قزوینی از زمانش، هم دقیق‌تر و هم قابل اعتمادتر است؛ زیرا وی در این گزارش‌ها به حقایق پرداخته است که در دیگر آثار، کمتر می‌توان سراغ آن‌ها را گرفت. (قزوینی، ۱۳۵۸: ۱۲۸). ری یکی از دوران‌های پُر تنش مذهبی بین دو گرایش اشعری و اعتزالی، در حوزه فقهی بین شیعه، شافعی و حنبلی، را از سرگذراند (حموی، بی تا، ۳: ۱۱۷). انگیزه فعالیت‌های تقریبی، حاصل فضایی است که عبد الجلیل در آغاز کتاب، مبنی بر اتفاق بزرگان وقت شیعه، به عبدالجلیل قزوینی تکلیف می‌کنند که دیدگاه شیعه را درباره عایشه، همسر رسول الله (ص) تبیین نماید، این کتاب، دیدگاه رسمی شیعه در آن روزگار است. این اختلافات دول اسلامی و میان خاندان‌های حکومتگر سلجوقی شدت گرفت و سلسله‌هایی با عنوان سلجوقیان عراق و کردستان، روم، شام و کرمان قدرت را به دست داشتند و قدرت در تبادل میان امرا بود. افزون بر این، قدرت دیگری با عنوان اتابکان پیدا شده بود که تفرقه و چند دستگی را بیشتر می‌ساخت. این تقسیم موجب پیدا شدن سلسله اتابکان آذربایجان و همدان، شبانکاره و شیراز، لرستان بزرگ شد (۶). در همه جا آشوب‌های و تزلزل حاکم بود و ری از حکم کلی این قاعده مستثنی نبود. (قزوینی، ۱۳۷۱: ۱۴۰)

۳- طرح‌های تقریب مذاهب در دوره عبد الجلیل قزوینی

عبدالجلیل قزوینی از متفکرین شیعی که بیش از هر چیز با اندیشه‌های همگرایانه و تلاش‌های مصلحانه در راه نزدیک کردن مذاهب و فرق اسلامی شناخته شده‌اند در نوشتار ذیل، روش‌ها و شیوه‌های طرح وحدت و همگرایی مذاهب اسلامی از دیدگاه وی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این روش‌ها در دو دسته متمایز جای می‌گیرد: (۱) طرح‌های علمی (۲) طرح‌های سیاسی تقریب مذاهب. که غایت هر دو طبقه بندی مسیر تحقق وحدت امت اسلامی است. طرح علمی عمدتاً بر محور مشترکات مذاهب اسلامی صرف نظر کردن از کل مسائل و اختلافات دینی، ادغام مذاهب در یکدیگر و مصالحه بین آن‌ها و مخیر بودن مسلمانان در انتخاب هر کدام از آن‌ها و.. اکتفا دارد و طرح سیاسی در حقیقت راه تقریب مذاهب نیست، بلکه عمدتاً مربوط به وحدت جامعه است، که البته نوعی دستیابی به وحدت سیاسی- اجتماعی که همان امت واحده اسلام است.

۳-۱- طرح‌های سیاسی تقریب مذاهب در دیدگاه عبدالجلیل قزوینی

در دوره سلجوقیان، جامعه اسلامی شاهد هجمه‌های متعددی از شرق و غرب جهان اسلام بوده است. هجوم صلیبیان از غرب و حملات پیاپی ترکان از شرق، ثبات و آرامش را از جامعه اسلام ربوده بود. نهاد خلافت، به عنوان نماد وحدت سیاسی مسلمانان، عملاً فروپاشیده بود. از سوی دیگر، قوم ایرانی اسلامی از هم فروپاشیده و جبهه بندی‌های مذهبی شهرهای ایران، این کشور را به صحنه کشاکش شدید مذهبی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی تبدیل کرده بود که البته سیاست خشونت مذهبی غزنویان، در این وضعیت بی تأثیر نبود (۷). شیخ عبدالجلیل قزوینی بر اساس پذیرش اصل اعتدال و وحدت امت، بر بنیاد اصول مشترک عدل و توحید و محبت اهل بیت (ع) (طوسی، ۱۳۵۸: ۱۴۱۷) تلاش‌های مستمری انجام دادند وی آورده است: «بحمدالله هیچ مسلمان، منقبت آل رسول را منکر نباشد و دوست ندارد، مگر کسی که مجبر و انتقالی باشد» (قزوینی، ۱۳۵۸: ۲۶۳) و به نوعی تکثرگرایی به معنای همزیستی مسالمت آمیز مذاهب اسلامی می‌رسد (طوسی، ۱۴۱۷: ۶۳-۶۴)

مقدسی در کتاب احسن التقاسیم از اختلافات و تشتت و ناآرامی مذاهب و فرق اسلامی، در شهرهای مختلف ایران خبر داده است (مقدسی، ۱۳۶۲: ۲۳۶-۲۳۸ و ۲۶۶-۲۶۷). در چنین فضایی و با توجه به روابط خشونت آمیز دیرین میان اهل سنت و شیعیان، به طور طبیعی احساس نیاز به رفع تخصص را در میان متفکرین پدید می‌آورد. بر همین اساس، سلجوقیان به رغم تعصبات مذهبی، به اقتضای سیاست حکومت داری، از استمرار این روند ناخشنود بودند و شواهدی تاریخی بر تمایل آنان به ایجاد نوعی هم‌گرایی اسلامی را نشان می‌دهد که از حضور، متفکرینی همچون خواجه نظام الملک طوسی و سایر اندیشمندان بسیار مؤثر افتاده بوده است. قلمرو گسترده تحت نفوذ سلجوقیان و حمایت و پشتیبانی آنان از مذاهب فراگیر اهل سنت، مبارزه شدید با اقلیت‌های طاغی، چون اسماعیلیان، تأسیس سازمان اطلاع رسانی به نام «برید» برای زیر نظر داشتن مستقیم امور کشور و نیز تأسیس مدارس زنجیره‌ای نظامیه، که نوع خاصی از تفکر اسلامی را در نقاط مختلف جهان اسلام ترویج می‌کردند، زمینه‌های اصلی امت واحده اسلام را فراهم آورده بود (حائری، ۲۲-۲۷) مرکز ری، به دلیل مجاورت با اهل تسنن و مراکز سیاسی مذهبی آنان، با کسب تجربه از حوادث تلخ منازعات فرقه‌ای و تضعیف پشتوانه سیاسی دریافتند که حفظ جان و مال شیعیان با تقریب و اجتناب از منازعات میسر است. لذا آنان از منازعات درونی اهل سنت کناره‌گیری کرده خود را از کانون‌های تنش و درگیری دور نگه می‌داشتند. چنان‌که در منازعات بین اهل تسنن، گزارشی از حضور متکلمان شیعی به چشم نمی‌خورد. ثانیاً متکلمان

شیعی کوشیدند از درگیری با اهل سنت، که در اکثریت بودند، اجتناب نموده آنان را به طرف مشترکات عقیدتی و مذهبی سوق دهند (۸) تا اهرمی برای تقریب و کاهش خشونت شود (Kafesoglu, 1988: 92; Kolberg, 1991: 18). عبدالجلیل قزوینی رازی، با تکیه بر مشترکاتی همچون توحید و حبّ اهل بیت (ع) و با تمسک به شخصیت‌های برجسته شیعه همچون خواجه ابوتراب دوریستی، که بسیار مورد تکریم اهل تسنن بود، در پی ایجاد جبهه مشترک و متحد با دیگر مذاهب بود (قزوینی، ۱۳۵۸: ۶۴). وی کوشید نزدیکی بین علمای بزرگی چون ابوحنیفه و شافعی با اعتقادات شیعی را ایجاد کند. همچنین با ارائه مجموعه بزرگ از روایات مشترک میان شیعه و سنی، زمینه مناسبی را برای تفاهم برقرار نماید. وی اختلافات را ناشی از تأویل روایات می‌دانست (قزوینی، ۱۳۵۸: ۳۱). گزارش‌های عبدالجلیل رازی، در کتاب النقص در کنار دیگر شواهد تاریخی نشان می‌دهد که متفکران شیعه، با عملکرد تقریبی و همگرایانه خود، برخلاف دوره نخست حکومت سلجوقیان، از اقتدار والایی برخوردار بود و در عرصه‌های مختلف سیاست، علمی به طور جدی فعالیت می‌کرده است (حلمی، ۱۳۸۳: ۱۲۳)؛ از جمله گمنامی مؤلف اثر بعض فضائح الروافض (۹)، در کنار کدورت و ناراحتی او از سلاجقه و تأسف بر دوره اقتدار خلافت اموی و عباسی نشانه‌هایی بر این امر است. (طوسی، ۱۴۲۲، ۱۲۹: ۲ و قزوینی، ۱۳۵۸: ۲۶۱، ۱۰۸، ۳۱-۶۳) که قزوینی تلاش دارد تا این تساهل و تسامح را بیان نماید برای نمونه او حادثه حمله خلیفه دوم به بیت حضرت زهرا (ص) و شهادت فرزندشان محسن را این چنین توجیه نمی‌کند: ...می‌کن که خود نداند که فاطمه در پس در ایستاده است اگر چنین باشد، آن را قتل خطا گویند، و اگر هم عمداً باشد، که او معصوم نیست. حاکم خداوند است نه دیگری. و در این فصل بیش از این نتوان گفت. والله اعلم باعمال عباد و بضائهم و بسرائهم (قزوینی، ۱۳۵۸: ۲۹۸-۲۹۹) همچنین در پاسخ به این سؤال که شیعیان می‌گویند: عمر و عثمان حضرت فاطمه را از گریه بر رسول خدا (ص) منع می‌کردند، می‌نویسد که آنان طاقت نداشتند که جگرگوشه حضرت زهرا (ص) زاری کند و بر خود خواری کند (قزوینی، ۱۳۵۸: ۲۹۸). وی خصم خود را از هرگونه خشونت مذهبی بر حذر می‌دارد؛ زیرا «اعرف الحق تعرف اهله و جواب جنگ نباشد» (قزوینی، ۱۳۵۸: ۱۴۷) وضعیت بد شیعیان در دوره‌های پیشین، به‌ویژه در عصر غزنویان و آغاز حکومت سلجوقیان، (قزوینی، ۱۳۵۸: ۲۹۸، ۳۴، ۴۱، ۴۲، ۴۴، ۷۸-۷۹) در کنار تشدید اختلافات و نزاع‌های قومی و ایجاد نوعی شکاف عمیق اجتماعی، عقل‌گرایان شیعه را به تقویت جریان اعتدالی شیعه فراخواند و تا اندازه‌ای با موج احساس نیاز شدید گروه‌های مذهبی به انتساب فراگیر به گذشته، در قالب کنفدراسیون اهل سنت همراه ساخته بود. شیعیان در این دوره، پس از گذار از مراحل مختلف تاریخی و در پی افول جریان اعتزال و فروپاشی ائتلاف شیعه معتزله

که بالاترین حد شکوفایی خویش را در دوره دیلمیان شاهد بود، گویا به دنبال تشکیل جبهه گسترده‌تر و نیرومندتری در برابر مخالفان بودند، از این رو، آنان از یک سو در اندیشه هم‌گرایی با عموم فرق معتدل اسلامی بودند و تلاش می‌کردند گرایش‌های افراطی را در میان خویش و اهل سنت خاتمه دهند. بر همین اساس، عناوینی همچون حشویه و غلات که کم و بیش در آثار متقدمان شیعه، مانند شیخ مفید در تصحیح اعتقادات الامامیه (مفید، ۸۱، ۱۱۴، ۱۱۳، ۸۶، ۱۳۳) سید مرتضی در مجموعه رسائل (مرتضی، ۱: ۱۵۷) و شیخ صدوق در من لایحضر الفقیه (صدوق، ۱۳۷۹، ۱: ۳۵۹)، بکار می‌رفت مورد توجه مؤلف النقص قرار گرفته است، با توجه به مبانی اسلام، که میان بسیاری از فرق اسلامی مشترک است، وی تلاش می‌کند در کنار معتزله، حنفیه، شافعیه و زیدیه جبهه قدرتمندی در برابر اشعریان و حنابله (۱۰)، مجبره و ... پدید آورد (حائری، ۱۳۷۶: ۲۲-۲۴).

۳-۲- طرح‌های علمی تقریب مذاهب در دیدگاه عبدالجلیل قزوینی

طرح علمی تقریب مذاهب و خیزش فرهنگی و بالندگی تمدن اسلام با توجه به الزامات حساس دوره عبدالجلیل قزوینی، که اختلافات بین شیعه و سنی در بین اقشار عامه امت رو به گسترش بود، که بدون ارائه راهکارهای صحیح، یک ایده آرمانی بیش نخواهد بود. زیرا ارائه راهکارها علمی و راه‌حلی می‌تواند مقدمه‌ای برای تقریب مذاهب به دور از چالش و موانع باشد.

عبدالجلیل به اصل مشترکات و نجات پیروان و بزرگان مذاهب مختلف اسلامی در قیامت، به شرط اعتقاد به اصول کلی عدل و توحید و تنزیه و دوستی اهل‌بیت (ع) و پرهیز از جبر و تشبیه و تعطیل اعتقاد تلاش زیادی کرد و غیر از آن، برای گسترش مفهوم شیعه و گنجاندن مصادیق بیشتری تقریب و همگرایی مسلمانان فعالیتهای علمی زیادی کرد که بدان اشاره خواهد شد:

۳-۲-۱- جلوگیری از تعصبات مذهبی

عبدالجلیل قزوینی خصم خود را از هرگونه خشونت مذهبی بر حذر می‌دارد؛ زیرا «اعرف الحق تعرف اهله و جواب جنگ نباشد» (پیشین، ۱۴۷) در ضمن، او از اتهام تکفیر و تفسیق و القای تهمت‌های مذهبی، سخت بیزار است و آن را بدعت بر خلاف و سنت نیکوی اهل علم می‌شمارد: «پنداری از عهد خلافت ابوبکر الی هذا الیوم در همه اصحاب سنت، از این مصنف فاضل‌تر و عالم‌تر و متعصب‌تر و مشفق‌تر نبوده است که کتابی بنویسد و آن را بعض فضاءح الروافض نام نهد. وی عالم‌تر و فاضل‌تر از همه متقدمان و متأخران است تا چندین دروغ و بهتان بعد از پانصد سال جمع کند و مسلمانان را ملحد

بخواند» (پیشین، ۱۶۲) در جای دیگر، در پاسخ این اتهام که شیعه با صحابه رسول (ص) و سلف صالح و همسران رسول الله (ص) دشمن است، به تألیف کتابی تحت عنوان تنزیه عایشه می‌پردازد که احتمالاً درباره رفع اتهام قذف از عایشه در قرآن بوده است، (مجلسی، ۱۳۷۳، ۱۰۲: ۲۵۰) اما بر خلاف نظر میرزا عبدالله افندی (۱۱)، هرچند عبدالجلیل قزوینی تنها به رفع اتهام قذف از عایشه نمی‌پردازد، همچنین وی بر زمره همسران رسول الله (ص) درود می‌فرستد (پیشین، ۲۹۶-۵۱۸) با این حال، توبه را بر عایشه در ماجرای مخالفت با امام علی (ع) واجب می‌شمارد و او را در جریان ممانعت از دفن امام حسن (ع) کنار رسول الله (ص) مورد مذمت قرار می‌دهد. (جعفریان، بی تا، ش ۴۹، ۷۸ و قزوینی، ۱۳۵۸: ۶۳۹) عبدالجلیل تنها از این عادت مخالفان به خشم می‌آید که گاهی به دشمنان اهل بیت (ع) اظهار محبت کرده است و یا از ذکر فضایل اهل بیت اجتناب می‌کند:

«آنچه گفته است که فتح دیار گبرکان و دیار کافران در عهد عمر خطاب بود، چنین است و بر این قول انکار نیست؛ اما از ذکر اسامی مبارزان و نیاکان که جهاد کرده‌اند و غزوات و فتح‌ها به دست و تیغ ایشان برآمده است، همچنین جزاهم الله عن الاسلام و المسلمین خیرا... و از غایت ناصبی‌ای خارجی‌ای امیرالمؤمنین را یاد نکرده است... اما خالد بن ولید، که دشمن رسول الله است و سعد پدر عمر است که سر حسین علی بریده است و شر حیل مشیر معاویه است، در کشتن حسن علی و خواجه فریضه شناسد نام ایشان به نیکی یاد کردن و اما نوبت چون به علی و آل او رسد، بغض مادرآورش رها نکند» (پیشین: ۱۴۹-۱۵۰) بنابراین به رغم احترام به صحابه و خلفا موضع شیعی خویش را به طور کامل حفظ می‌کند و مشروعیت خلافت آنان را نمی‌پذیرد: «مذهب شیعه در حق صحابه، کفر و شرک نیست؛ آن است که با وجود امیرالمؤمنین علی (ع) ابوبکر و غیر بوبکر را استحقاق امامت نیست به فقد شرایط موجب». (پیشین، ۲۵۷) وی همچنین «امام ابوحنیفه کوفی رضی الله عنه... فضیلت اصحاب او را معلوم است که او را منصور کشت به سبب دوستی و پیروی آل رسول... از بزرگان تابعین است و چند صحابی را دیده است؛ چون جابر عبدالله و انس بن مالک... و همه روایت از امام محمدباقر و امام صادق (ع) کند و موحد و عدلی مذهب بوده است و به آل مصطفی تولا کرده است... در کتاب الرجال شیعه (۱۲) چنین آمده که او شیعی بوده و از وی اشعار زیادی پدید آمده که مردم در مذهب ابوحنیفه و شافعی اختلاف زیادی کردند...» (پیشین، ۱۵۹-۱۶۰)

۳-۲-۲- مخدوش کردن روایات تاریخی اختلاف برانگیز

تلاش‌های عبدالجلیل برای وحدت امت و تقریب مذاهب، نشان دادن مجموعه‌ای از روایات مشترک میان آن‌ها است، که زمینه مناسبی برای تفاهم برقرار کرده و اگر اختلافی نیز در کار باشد، از نظر تأویل روایات است که آن نیز پذیرفتنی است: «هیچ خبر نباشد که شیعه از ائمه خود روایت کنند و الا در آن روایات، بسیاری از اصحاب ابوحنیفه و شافعی ایشان را موافق باشند در آن الفاظ و در بیشتر معانی. اگر خلافی باشد در بهری، در تأویل خبر باشد نه در لفظ و اگر بدان اخبار که متفق علیهاست مشغول شویم، احتمال نکند». (پیشین، ۳۱) جمع آوری روایات مشترک شیعه و سنی از مهم‌ترین عوامل ایجاد وحدت امت و تقریب میان مذاهب اسلامی است که متأسفانه چندان مورد توجه قرار نگرفته است؛ جز بخش مختصری از آن که توسط شیخ محمود قانصوه و به سفارش مرتضی عاملی تهیه شده است. شیخ عبدالجلیل در مقام دفاع از اتهام خصم، به نقد برخی از روایات و معتقدات و احکام فقهی شیعه می‌پردازد که یا اسناد آن‌ها به شیعه دروغ است و یا اعتبار و درستی آن‌ها از نظر شیعه مردود است. روایات همراهی ابوبکر با رسول الله (ص) به هنگام هجرت از مکه و ترس از خیانت وی؛ مشارکت عمر و برخی از صحابه در ماجرای ترور رسول الله (ص) در پیمان‌های عقبه؛ تأویل برخی از آیات عذاب کافران درباره ابوبکر و عمر؛ احادیث ارتداد مسلمانان به جز چند نفر معدود؛ گواهی «اشهد ان علیا ولی الله» در اذان و... از این قبیل است (ذهبی، ۱۹۸۲: ۳۴۵). «علی بن ابراهیم، که از روافض متقدم بوده است، می‌گوید در تأویل این آیت که «ربنا ارنا الذین اضلانا من الجن و الانس نجعلهما تحت اقدامنا لیکونا من الالفین» این دو کس... یکی ابوبکر و یکی عمر، که بنای خلافت به ظلم ایشان نهادند. اما جواب این است که بر هیچ دانشمندی پوشیده نماند که بهتان، زور و کذب است که حوالت کرده است از چند وجه... و بر شیعت آن حجت باشد که در تفسیر محمد باقر (ع) و در تفسیر الحسن العسکری (ع) باشد و در تفسیر شیخ طوسی و محمد فتال نیشابوری و طبرسی و ابوالفتوح رازی باشد» (پیشین، ۲۶۲-۲۶۳ و طبرسی، ۱۴۰۳: ۲۹۰، طبرسی، ۱۳۷۹: ۱۷۹، ۱۲۰)

وی در آثارش، هیچ‌گاه از تفسیر علی بن ابراهیم قمی و تفسیر عیاشی، که شامل مجموعه‌ای از این قبیل تفاسیر و روایات هستند، ذکری به میان نمی‌آورد. اما نمونه‌ای از احکام فقهی: «به مذهب شیعه، اگر چه امام علی را نصّ و معصوم و بهتر از هر یک از امت گویند، مذهب ایشان چنین است که اگر در میان فصول بانگ نماز، بعد از شهادتین کسی گوید: اشهد ان علیا ولی الله، بانگ نمازش باطل باشد و با سر باید گرفت و نام علی (ع) در بانگ نماز بدعت است...» (پیشین، ۹۷) توجیه عبدالجلیل از

ماجرای حمله به خانه حضرت فاطمه (ع) تا حدی، شگفت‌انگیز است: «این خبر درست در کتب شیعی و سنی مذکور و مسطور است. اما خبر برگزیده است که انما الاعمال بالنیات... می‌کن که خود نداند که فاطمه در پس ایستاده است. اگر چنین باشد، آن را قتل خطا گویند و اگر هم عمداً باشد، نه معصوم است..» (پیشین، ۲۹۸ و شوکانی، ۲۱۰-۱۱۷ و طوسی، ۱۳۴۵، ۳۵۰ و مفید ۱۴۱۳: ۱۵۸ و مفید، بی تا، ۱۳۶۳، ۱۷۶ و شاذان نیشابوری، ۱۴۰۲: ۱۸۲ و خویی، بی تا، ۷: ۱۷۰)

۳-۲-۳- دفاع از اصول اعتقادی (محکمت شیعه) در برابر غالیان

قزویی در مقام دفاع از محکمت شیعه، به نقد برخی اعتقادات گروهی از شیعیان می‌پردازد که به نظر وی عقائدی غالیانه به شمار می‌روند. وی درباره مقام و درجه امام علی (ع) می‌نویسد: «از کتب شیعه اصولیه معلوم است که ایشان را مذهب نبوده است که درجه امیرالمؤمنین چون درجه انبیاست...» (پیشین، ۵۲۸-۵۲۹) وی در برابر این ایراد خصم که شیعه معتقدند «امامان همه غیبت دانان باشند، در گور همه غیبت داند تا بدان حد که کسی به زیارت ایشان شود، بدانند که موافق کیست و منافق کیست و عدد نام‌ها و گام‌ها همه دانند...»، چنین پاسخ می‌دهد: «جواب این کلمات، که خالی است از معنا و دور است از عقل و بر خلاف نقل و شرع، آن است که از نص قرآن و اجماع مسلمانان معلوم که غیب‌الای خدای نداند... رسول الله (ص) با جلالت و درجه نبوت، در مسجد مدینه زنده ندانستی که بر بازار چه می‌کنند و احوال‌های دگر تا جبرئیل نیامدی معلوم وی نشدی... پس ائمه، که درجه انبیا ندارند، در خاک خوراسان و بغداد و حجاز و کربلا خفته و از قید حیات برفته، چگونه دانند که احوال جهانیان بر چه حد است...» (پیشین، ۲۸۵-۲۸۶) در دوره‌های پیشین دو مکتب بغداد و قم در جهان تشیع، دو نقطه مقابل به شمار می‌رفتند. شیخ صدوق به بغدادیان اتهام غلو و اعتقاد به تفویض وارد می‌ساخت (صدوق، ۱۳۷۹، ۱: ۲۵۹ و ۳۶۰) و در مقابل، شیخ مفید و سید مرتضی، قمی‌ها را اهل تقصیر در حق رسول الله (ص) و امامان خوانده و از آنان به حشویه و گاه مشبهه و مجبره یاد می‌کردند (۱۳). شهید ثانی با استناد به کتاب کشی به دیدگاه رایج میان بسیاری از شیعیان و راویان احادیث در عصر حضور، اشاره می‌کند که اعتقادی به عصمت امامان نداشته و آنان را فقط عالمانی واجب‌الاطاعه می‌شمردند. (مازندرانی، ۱۴۱۳: ۳، ۲۲۰ و قدیانی، ۱۳۸۴: ۲۷۰) بنابراین گزارش‌ها، که برخی از علمای بعدی شیعه درباره درستی آن‌ها سخن دارند، وی علم امامان (ع) را اکتسابی و جانشین حضرت ابراهیم (ع) را از جانشین حضرت محمد (ص) افضل می‌دانست (شاذان نیشابوری، ۱۴۰۲: ۱۶، ۷-۱۸-۲۶). دو کتاب الرد علی الغالیه و الرد علی الحشویه نیز در زمره تألیفات ذکر شده است. (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۰۷) وی در کتاب

الایضاح، اختلاف شیعه و سنی را درباره خلفا، تنها در حد برتری دادن امام علی (ع) بر شیخین تصویر می‌کند و هرگونه اتهام لعن و ناسزا را نمی‌پذیرد (صدوق، ۱۳۸۵، ۴: ۳۰۱-۳۰۴). شیخ صدوق وی را به پذیرش اعتبار قیاس متهم ساخته و بر او در این باره خرده می‌گیرد (صدوق، ۱۳۸۵، ۴، ۲۷۰). دیدگاه منصفانه و هم‌گرایانه شیعه، در جریان تقریب مذاهب و راه یافتن برخی آداب و رسوم شیعی، مانند عزاداری امام حسین (ع) به جوامع سنی (۱۴) و از میان رفتن جریان‌های افراطی اهل تسنن (اهل نصب و عداوت) که مؤلف بعضی فضائح الروافض از ایشان بود. (قزوینی، ۱۳۵۸: ۱۴۱، ۱۵۰-۱۵۳)

بنابراین برخی از دیدگاه‌های غالبان شیعه، انتقاد عبدالجلیل از غلو و خشویت که علمای بغداد و قم، هر یک دیگری را به یکی از آن دو متهم می‌کردند در کنار تسامح مذهبی او در برخی معتقدات شیعه نشان از این واقعیت دارد که شیعیان، در عین هماهنگی فراوان دیدگاه‌هایشان با مکتب بغداد، مانند علم امام، از مکتب قم و گاه دیدگاه‌های دیگر در حوزه جهان تشیع تأثیر پذیرفته‌اند. همانطور که عبدالجلیل از هر دو گرایش غلو و اخباریگری گریزان بوده، این دو جریان، در دوره صفویه، در یکدیگر ادغام شدند و تحت تأثیر نزاع مستمر صفویان شیعی مذهب با عثمانیان سنی مذهب، چهره‌ای ویژه به تفکر شیعی بخشیدند که در آثارش در حوزه‌های مختلف اندیشه شیعی برجای گذاشته است. (قزوینی، ۱۳۵۸: ضصص ۱۱۲÷۱۴۱) جلوه‌های اجتماعی این نوع تفکر شیعی به اندازه‌ای که توجه برخی پژوهشگران اجتماعی معاصر را به خود جلب کرده است (۱۵).

۳-۲-۴- وجوب ویژگی‌های امامت (پیشوا) از اصول اعتقادی مسلمانان

عصمت در لغت، به معنای «منع» و «حفظ» است (ابن منظور، بی تا، ۱۲: ۴۰۳) و معصوم در اصطلاح شرع، کسی است که به لطف خداوند سبحان، از هرگونه آلودگی به گناه و کارهای ناشایست دوری کند، در حالی که توان انجام دادن آن‌ها را داشته باشد. «عصمت» از ویژگی‌های ضروری برای امام، است و خداوند باید برگزیده و حجت خود را از آلودگی‌ها و کارهای ناشایست حفظ کند؛ امام صادق (ع) می‌فرماید: «معصوم، کسی است که به [عنایت] خداوند از همه حرام‌ها حفظ می‌شود و خدای-تبارک و تعالی- فرموده است: «هرکس به حفظ الهی بیبوندد، به یقین، به راه راست هدایت شده است.» (۱۶) (صدوق، ۱۳۸۵، ۴: ۱۳۲) امام، کسی است که اطاعتش بر همه امت به طور مطلق، واجب است؛ یعنی پیروی از تمام اوامر و نواهی امام، واجب و تخلف از آن، حرام و ممنوع است. حال اگر امام مفترض الطاعة، از خطا و گناه مصون نباشد، ممکن است بندگان خدا را از روی خطا، به عصیان و نافرمانی کند و این تناقض و محال است؛ زیرا که خدای سبحان از یک سو (به واسطه وجوب پیروی از

غیر معصوم) به معصیت دستور دهد و از سوی دیگر، نهی کند. لذا عصمت، لازمه جدایی‌ناپذیر امامت است. قزوینی با توجه به همین دلایل نقلی و عقلی، عصمت را از شرایط لازم امامت شمرده و امامت غیر معصوم را نفی می‌کند: «شخصی که عالم و معصوم نباشد، به امامت قبول نباید کردن. (قزوینی، ۱۳۵۸: ۵۷۵-۵۷۶)

قزوینی با بهره‌گیری از آموزه‌های معصومین (ع) علم و عصمت را جدا ناشدنی می‌داند و درباره امیرمؤمنان (ع) می‌گوید: «و علی به حق و عالم و معصوم و امام مفترض الطاعة بود. (پیشین: ۱۷۵) از نظر او کسانی را که عصمت ندارند هرگز نمی‌توان امام دانست. اعتقاد شیعه آن است که غیر معصوم، هر فضیلت هم داشته باشد، (قزوینی، ۱۳۵۸: ۴۷۵) ایشان درباره حاکمان پس از رسول الله (ص) می‌نویسد: اما آنچه از سیرت ابوبکر و صحابه یاد کرده ... شیعت انکار کنند، در ایشان که مرتبه امامت نداشتند، به فقدان عصمت و نصوصیت و کثرت علم است. (پیشین، ۲۴۳) از این دوره، به بعد شاهد شکل‌گیری پدیده‌ای تحت عنوان «دوازده امامی» در ایران هستیم که در آثار بسیاری از بزرگان قرون بعدی و قبل از صفویه، مانند حمدالله مستوفی (قرن ۸ هجری) در تاریخ‌گزیده، فضل بن روزبهان (قرن دهم هجری) کتاب‌های تذکره الخواص سبط ابن جوزی (قرن ۷ هجرت)، مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول محمد بن طلحه شافعی (قرن هفتم هجرت)، کفایت الطالب گنجی شافعی (قرن هفتم هجرت) معالم العشرة النبویة و معارف اهل البيت الفاطمیه، در شرح حال امامان اثنی عشریه از ابومحمد مبارک حنبلی جنابذی (قرن ششم هجرت)؛ الفصول المهمه فی معرفة احوال ابن صباغ مالکی (قرن نهم هجرت) و الشذرات الذهبیه از ابن طولون (قرن نهم هجرت) به چشم می‌خورد. نیز در پاسخ به اتهام تبعیت شیعه از ابو الخطاب می‌گوید: اما خطابی و بو الخطاب را کجا با وی (امیر مؤمنان علیه السلام) برابر توان کردن که شیعت، ابن الخطاب را ... به امامت قبول نمی‌کند برای عصمت و نصوصیت. پندارم تبع بو الخطاب کمتر باشند که شیعه در اعتقاد و مذهب، اقتدا به ابو الخطاب کمتر کنند. (پیشین، ۵۴۹) وی همچنین درباره لزوم عصمت امام می‌نویسد: «قائم معصوم است چون محمد و جبرئیل». بلی مذهب و اعتقاد امامیه، این است که ائمه را معصوم گویند، چون انبیا و ملائکه، که اگر نبی معصوم نباشد، در شرع خلل افتد، اگر امام معصوم نباشد، به قول و فعل وی اقتدا روا نبود. طیب بیمار، معالجت را بنشاید و بر این قول، حجج و بینات محکم عقلی و سمعی است» (پیشین، ۱۳۵) قزوینی با بهره‌گیری از این آموزه قرآنی می‌گوید: لاجرم امامت را نشایند که هرکس که خمر خورده باشد یا بت سجده کرده باشد، وقتی که از اینها توبه کند، نبوت و امامت را نشاید؛ اما مؤمن مخلص تائب باشد. پس امام بعد از

مصطفی، علی باشد، نه بوبکر و نه عمر و نه عثمان و ... از این وجوه که بیان شد. (پیشین، ۴۴۶ و این جوزی، ۲، ۱۴۱۷: ۱۱۴)

نتیجه

با سقوط حکومت آل بویه و به قدرت رسیدن سلجوقیان و به کارگیری شخصیت‌های متخصص مذهبی در ساختار حاکمیت همگرایی و تقریب خاصی میان شیعیان امامی و سلجوقیان وجود نداشت. اما با گذر زمان و فقدان شخصیت‌های مذهبی متعصب اهل سنت در مناصب حکومتی اختلافات درونی سلجوقیان و حضور عالمان شیعی عقل‌گرا چون عبدالجلیل قزوینی این تسامح و تساهل را مبنای کار خود قرار دادند. وی بر اساس پذیرش اعتدال و وحدت امت، و بنیاد اصول مشترک عدل و توحید و محبت اهل بیت (ع) تلاش‌های مستمری در راستای همگرایی در امت انجام دادند. ایجاد وفاق و وحدت امت اسلامی تلاش برای جلوگیری از اختلافات و فتنه‌انگیزی میان مسلمانان و برپایی همگرایی و تقریب مذاهب اسلامی از مهم‌ترین اقداماتی بود که عبدالجلیل قزوینی در عصر خویش برای برقراری آن بسیار تلاش نمود، تقریب مذاهب و تقویت بنیان‌های شیعه را یکی از اقدامات بزرگ عبدالجلیل قزوینی رازی تلاش برای رهبری جامعه دفاع از سرزمین‌های اسلامی برای دوری از منازعات مذهبی بود و همچنین نیاز سلجوقیان به نیروی کارآمد شیعی برای حفظ حاکمیت و گسترش قدرت و سلطنت خود، موجب شد تا هریک از طرفین به تعامل و همگرایی روی آورند. که به شیوه‌ای که از شدت خشونت‌های مذهبی کاسته شود و با اتخاذ سیاست اعتدال مذهبی و تقیه درصدد صیانت از عقاید و اندیشه‌های شیعی برآمد. لذا تعاملات میان فرهنگی در عصر حاضر و بازگشت علمای مذاهب اسلامی به رویکرد تسامح و همگرایی محور اندیشه علمای امامیه، با طرح و تبیین عقبه درخشان و بی‌نظیر تعاملات میان فرهنگی میان علمای مذاهب اسلامی بر مروجان تفرقه میان شیعه و سنی مهر بطلان و نابودی بزنند. لذا طرح روش‌های تبیین مشترکات دینی، تدوین متون و کتب تفسیری، و فقه مقارن از سوی علما و برگزاری جلسات درس مشترک شیعه و سنی و حضور در درس اساتید سنی، مناظرات منطقی، پاسخگویی به شبهات و رفع اتهامات علیه شیعه در نهایت تلاش برای حفظ اعتدال و میانه‌روی در عقل و استناد به نصوص دینی از راهکارهای احیای امت جهت وحدت تمدن اسلام بودند.

یادداشت‌ها

۱. اما وی تنها کسی نیست که اندیشه‌ها وحدت‌گرایانه و تقریب مذاهب را مطرح می‌کند متفکرین بزرگی چون خواجه‌نصیرالدین طوسی، شیخ طوسی، علامه حلی،... همه در راستای این موضوع تلاش‌های زیادی در تکاپوی وحدت امت اسلامی به کار بستند.
۲. النقض اطلاعات جامعی در تبیین و اثبات عقاید امامیه، وقایع تاریخی، وضعیت شیعیان و شهرهای شیعه‌نشین، مدارس امامیه در مناطق مختلف ایران، به‌ویژه تحلیل جامعه‌شناختی شیعیان ایران و مهم‌تر جغرافیای مذهبی قرن ششم ایران مرکزی (عراق عجم) برای پژوهشگران ترسیم می‌کند
۳. جهت اطلاعات بیشتر رک عالمان و اندیشمندانی چون: ثقه‌الاسلام کلینی (۳۲۹ ق)، ابن قِبّه رازی (۴)، ابن مُسکویه (م ۱۱۶)؛
۴. زندگی فخر رازی، احمد طاهری عراقی، مجله معارف، دوره سوم، ش ۱، فروردین - تیر ۱۳۶۵ ش
۵. حسن انصاری قمی در مقاله‌ای، به نمونه‌هایی از مناظرات و نیز ردیه نویسی در منطقه یمن در بین زیدیه، اشاره‌های خواندنی‌ای دارد زیدیه و چالش حنابله و معتزله، حسن انصاری قمی، کتاب ماه دین، ش ۳۶، مهر ۱۳۷۹ و ر.ک: (۴۸) قمی، عباس، ۱۴۱۴، سفینه البحار. قم. دارالاسوه.
۶. حسینی شاه ترابی، سید مرتضی، مجله سخن تاریخ، ش ۳، تابستان ۱۳۸۷ ش. ۳۰ - ۵۶،
۷. قم، کاشان، کرج، ساری، نیشابور، سبزوار و ورامین در اختیار شیعیان و قزوین، اصفهان، همدان، گلپایگان و خوزستان در اختیار اهل سنت قرار داشت. نک: طوسی، ابوجعفر محمد (۱۳۸۷ ق). المبسوط فی فقه الإمامیه، ص ۱۸۹ و النقض، صص ۲۷۶-۲۷۸، ۴۳۶-۴۳۸، ص ۵۷۷ و ۱۳۰۹
۸. شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ ق) متکلم، فقیه شیعی کوشید این مشترکات را در آیات و روایات و حوزه‌های منقول و معقول بیابد. وی با درنظرگرفتن فضای علمی بی‌نظیری که به علت تعدد مذاهب و اختلاف گروه‌ها در بغداد ایجاد شده بود، دست به اقدام تازه‌ای زد که همان ایجاد «فقه مقارن» بود. وی در این زمینه کتاب «الخلاف» را تألیف کرد و در آن ضمن مباحث فقهی شیعه، آرای عمده مذاهب فقهی اهل سنت را نیز مطرح نمود و از ذکر اقوال آن‌ها هم چشم‌پوشی نکرد. مثلاً طرح دو اصل قیاس و استحسان در الخلاف، حکایت از اندیشه بلند تقریبی شیخ دارد، زیرا آن‌ها دو اصل فقهی غالب اهل سنت‌اند و در فقه شیعه اصلاً کاربردی ندارند، تنها برای اتخاذ روش منطقی جدل در برابر فقهای مذاهب اسلامی از این دو اصل استفاده کرده است موسویان، ۱۳۸۰: ۲۲-۲۳ و صدر، ۱۳۶۲: ۴۱۳.
۹. شیخ عبدالجلیل قزوینی می‌نویسد: «بر پشت مجموعه نام مصنف نباشد.» مؤلف بعض فضاء الروافض، شهاب‌الدین رازی از خاندان بنی مشاط است. جالب‌توجه آن که ابوالفضل مشاط مؤلف زلزله الانبیاء در برابر تنزیه الانبیاء سیدمرتضی نیز از این خاندان است. قزوینی، ۱۳۵۸، ص ۵-۶.

۱۰. البته احمدبن حنبل در خصوص محبت اهل بیت تلاش‌هایی ستودنی در تعدیل عثمانی گری افراطی برخی اهل سنت از خود نشان داده که در فضایل فراوان اهل بیت در دو مجمعه مسند و فضائل الصحابه نموده یافته است. برای مطالعه درباره تأثیر ابن حنبل در تعدیل اهل سنت ر ک: رسول جعفریان، نقش احمدبن حنبل در تعدیل اهل سنت در مجموعه مقالات تاریخی دفتر ششم، نشر الهادی، قم، ۱۳۷۸.
۱۱. افندی، ریاض العلماء؛ باب العین، شرح حال عبدالجلیل رازی.
۱۲. ر ک: مهریزی، مهدی، میراث حدیث شیعه، صدرایی خویی، علی، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر، قم، ۱۳۸۰.
۱۳. شیخ مفید، تصحیح اعتقادات الامامیه؛ دار المفید، بیروت، ۱۳۵-۱۳۶ و شیخ مفید، المسائل السرویه؛ کنگره شیخ مفید، صص ۴۶ و ۷۲-۷۳ و رساله ابطال العمل باخبار الاحاد در مجموعه رسائل سیدمرتضی، ج ۳، ص ۳۱۰.
۱۴. برای آگاهی بیشتر در این باره ر ک: فصلنامه کتاب‌های اسلامی، مقاله بستر تاریخی عزاداری امام حسین (ع) در اهل سنت. همچنین در کتاب النقص، ص ۳۷۰-۳۷۳ گزارشی از رواج عزاداری امام حسین (ع) در میان اهل سنت آمده است. ر ک: شریعتی. علی. تشیع علوی تشیع صفوی، ۱۲۰.
۱۵. برای آگاهی بیشتر ر ک: جعفریان، رسول، دین و سیاست در دوره صفوی و شریعتی، علی، تشیع علوی تشیع صفوی.
۱۶. «الْمَعْصُومُ هُوَ الْمُتَمَنِّعُ بِاللَّهِ مِنْ جَمِيعِ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ قَدْ قَالَ: تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ مَنْ يُعْتَصِمَ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (أل عمران، ۱۰۱).

منابع

- ابن منظور. محمد (بی‌تا). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- ابن طباطبا. ابراهیم بن ناصر. (۱۳۷۲). مهاجران آل ابی‌طالب. ترجمه محمدرضا عطائی. مشهد: آستان قدس.
- ابن جوزی. عبدالرحمن (۱۴۱۷). المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم. تحقیق محمد مصطفی عبدالقادر. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن کثیر، أبو الفداء (۱۴۰۷ ق). البدایه و النهایه. بیروت: دارالفکر.
- ابن اثیر. عزالدین علی (۱۳۸۵). الکامل فی التاریخ. بیروت: دارالصادر.
- میرزا عبدالله. (۱۴۰۱). ریاض العلماء و حیاض الفضلاء. قم. مطبعه الخی‌ام.
- الأمین. محسن. (۱۹۸۳ م). أعیان الشیعه. تحقیق حسن الأمین. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- ابن بابویه القمّی. محمد بن علی (الشیخ الصدوق). (۱۳۷۹). معانی الأخبار. تهران: مکتبه الصدوق. دار العلم.
- ابن بابویه القمّی. محمد بن علی (الشیخ الصدوق). (۱۳۸۵). علل الشرائع. نجف: المکتبه الحیدریه.
- محمد بن یعقوب. الکافی. (۱۳۶۳). تحقیق: علی اکبر الغفّاری. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- بحرالعلوم. حسین بن محمد رضا المازندرانی. (۱۴۱۳). الفوائد الرجالیه. مشهد: آستان قدس رضوی. بیناد پژوهش‌های اسلامی.
- علی بن زید. (۱۳۶۱). تاریخ بیهقی. تصحیح: احمد بهمنیار. تهران: کتاب فروشی فروغی. چاپ سوم.
- باسورت. سلجوقیان. (۱۳۸۰). ترجمه: یعقوب آژند. تهران. مولی. چاپ اول.
- بویل. (۱۳۶۶) تاریخ ایران کمبریج (جلد ۵). ترجمه: حسن انوشه. تهران. امیرکبیر. چاپ اول.
- پور امینی. محمدباقر. (۱۳۷۷). دیدار با ابرار (علامه طبرسی). قم. سازمان تبلیغات اسلامی. چاپ اول.
- جعفریان. رسول. (۱۳۷۰). دین و سیاست در دوره صفوی. قم: انصاریان.
- حسینی شاه ترابی. سید مرتضی. (۱۳۸۷). مجله سخن تاریخ. ش ۳. تابستان
- حسینیان مقدّم. حسین و دیگران. (۱۳۸۴). تاریخ تشیع. تهران. سمت.
- یاقوت. (بی‌تا) معجم البلدان، بیروت دارصار.
- کمال الدین. (۱۳۸۳). دولت سلجوقیان. ترجمه عبدالله ناصری طاهری. قم. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- عبدالهادی. (۱۳۶۸). ایران و جهان اسلام: پژوهش‌هایی تاریخی پیرامون اندیشه‌ها. مشهد: آستان قدس.
- ابوالقاسم. (بی‌تا). البیان فی تفسیر القرآن. دارالزهراء. بیروت:
- خوانساری اصفهانی. محمد باقر بن زین العابدین. (۱۳۵۶) روضات الجنات فی احوال العلما و السادات.
- ترجمه محمد باقر ساعدی خراسانی. تهران: کتابفروشی اسلامییه.
- بهاء‌الدین. (۱۳۷۶). قرآن پژوهشی. تهران. انتشارات ناهید. چاپ سوم.

- علی. (۱۳۶۳) مفاخر اسلام. تهران. امیرکبیر. چاپ اول.
- شاذان نیشابوری. (۱۴۰۲). الايضاح. تصحيح محدث ارموى. بيروت: الاعلمى للمطبوعات
- علی. (۱۳۷۷). تشييع علوى تشييع صفوى. تهران: چاپخس.
- شهيدى صالحى. عبدالحسين. (۱۳۸۱). تفسير و تفاسير شيعه. قزوین. حديث امروز. چاپ اول.
- محمدبن علی. الرسائل السلفية. «ارشاد السائل الى دليل المسائل». جامعه مدرسین. قم
- امان الله. (۱۳۹۰) «پيشگامان تقريبات ابن شهر آشوب عالم تقريباتى قرن ۶ م». اندیشه تقريبات. ش ۲۹.
- مفيد، محمد. (۱۳۶۳). تصحيح الاعتقاد. قم: الشريف الرضى.
- مفيد، محمد. (۱۴۱۳). اوائل المقالات فى المذاهب و المختارات. باهتمام مهدي محقق. تهران: دانشگاه تهران. مؤسسه مطالعات اسلامى.
- کریمان. حسين. (۱۳۶۹). طبرسى و مجمع البيان. تهران. دانشگاه تهران. چاپ اول.
- کریمان حسين (۱۳۵۴). رى باستان. بی جا. دانشگاه ملی ایران.
- طاهرى عراقى. احمد. (۱۳۶۵). «زندگى فخر رازى». مجله معارف. دوره سوم.
- محمود. (۱۳۴۵) عجایب المخلوقات. باهتمام منوچهر ستوده. تهران: بنگاه نشر کتاب.
- طبرسى، ابوعلی فضل (۱۳۷۹ ق). مجمع البيان فى تفسير القرآن. تهران: کتابفروشى اسلاميه.
- طبرسى، احمد (۱۴۰۳). الاحتجاج. مشهد: نشر مرتضى.
- طوسى، ابوجعفر محمد (۱۳۸۷ ق). المبسوط فى فقه الإماميه. مصحح سيد محمدتقى كشفى. تهران: المكتبه المرتضويه لإحياء الآثار الجعفرية.
- طوسى، ابوجعفر محمد (۱۴۲۲). الخلاف. بی جا: النشر الاسلامى.
- طوسى، ابوجعفر محمد (۱۳۷۷). تفسير جوامع الجامع، ترجمه احمد اميرى، مشهد: آستان قدس رضوى.
- طوسى، ابوجعفر محمد (۱۳۸۲). تلخيص الشافى. تحقيق سيدحسين بحر العلوم. قم: محبين.
- طوسى، ابوجعفر محمد (۱۴۱۷). عدة الاصول، تحقيق محمدرضا انصارى. قم: بی نا.
- طوسى، نظام الملك (۱۴۲۸). سياست نامه. تعريف يوسف بكار، بيروت: دارالمناهل.
- قزوینی رازى، عبدالجلیل (۱۳۵۸). النقص. تصحيح سيدجلال الدين محدث ارموى. تهران: انجمن آثار ملی.
- صفا. ذبيح الله. (۱۳۶۹). تاريخ ادبيات ايران. تهران. اميرکبیر.
- فيض كاشانى. محمد بن شاه مرتضى. (۱۳۳۴). تفسير صافى. مكتبة الصدر. تهران.
- زكريا بن محمد. (۱۳۷۱). آثار البلاد و اخبار العباد. مترجم محمدمراد بن عبدالرحمان. تصحيح محمد شاهمرادى. تهران: دانشگاه تهران.
- عباس. (۱۴۱۴). سفينه البحار. قم. دارالاسوه.
- عباس. (۱۳۸۴). فرهنگ و تمدن. تهران. فرهنگ مکتوب. چاپ اول.

- محمدباقر. (۱۳۷۳). بحار الأنوار. تحقیق علی امامیان. قم: سرور.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد (۱۳۶۲): احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم. ترجمه علینقی منزوی. تهران: علمی.
- مظفر، محمدحسین (بی تا). تاریخ الشیعه. قم: مکتبه بصیرتی.
- مستوفی حمدالله. (۱۳۶۲) تاریخ گزیده. به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران. امیرکبیر.
- رازی ابن بابویه. منتجب الدین، (۱۳۶۶). فهرست منتجب الدین. تحقیقی سید جلال الدین ارموی، قم، مکتبه المرعشی
- احمد بن علی. (۱۴۰۷). رجال النجاشی. قم. انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم.
- الشریف المرتضی (۱۴۰۵). رسایل الشریف المرتضی. قم: دارالقرآن الکریم.
- محمد اکرم. (۱۳۸۹). اندیشه سیاسی طبرسی. قم. بوستان کتاب.
- رضا. (۱۳۸۲). اندیشه سیاسی طبرسی. پایان نامه کارشناسی ارشد. قم. دانشگاه باقرالعلوم.
- مرتضی. (۱۳۷۴). تاریخ اجتماعی ایران. تهران. نگاه. چاپ اول.
- عبدالعظیم. (۱۳۷۸). گنجینه تاریخ. تهران. اطلس. چاپ اول.
- علیرضا. (۱۳۹۳). پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران. مذهب در خراسان عصر سلجوقی. ش ۲، ۶۷-۵۰
- محمدحسین. (۱۹۸۲). التفسیر والمفسرون. بیروت. دارالکتب الحدیثه.
- جعفریان، رسول، (بی تا) «، مجله نورعلم، عبد الجلیل قزوینی رازی و اندیشه تفاهم مذهبی. ش ۴۷، ۱۰۱

- ۱۳۳

- جعفریان. رسول. (۱۳۷۸). نقش احمدبن حنبل در تعدیل اهل سنت. مجموعه مقالات تاریخی. الهادی. قم.
- جعفریان. رسول. (۱۳۷۸). نقش احمدبن حنبل در تعدیل اهل سنت. مجموعه مقالات تاریخی. الهادی. قم.
- جعفریان. رسول. (بی تا). فصلنامه کتاب‌های اسلامی. بستر تاریخی عزاداری امام حسین (ع) در اهل سنت. شماره ۲۹، دفتر جامعه مدرسین قم

جلال الدین (۱۳۱۸) فضائح الباطنیه و فضائل المستظهریه نامه. تهران چاپخانه مجلس.

Koblberg, Etan (1991). *Be Life and Law in Imami Shiism*, Grent: Britain Variorum.

Kafesoglu, Ibrahim (1988). *A History of Seljuks: Ibrahim Kafesoglu Interpretation and the Resulting Controversy*, tra, Gary leiser, Carbondale: Southern in University Press.